

یاران روحانی با تقدیم تحیات امنع ابھی

با عنایت به تقارن این ماه با صعود حضرت ولی محبوب امرالله برنامه تقدیمی که با عنوان (یگانه ولی امر آئین بهائی) تهیه گردیده است به بررسی برخی از صفات و خصوصیات حضرت ولی امرالله میپردازد. با این امید که بتوانیم ضمن کسب شناختی عمیقتر از شخصیت روحانی ایشان، هر یک در حد مقدور حیات مبارک را مورد تعمق قرار داده و بر پیمانمان با آن مرکز عهد و میثاق الهی وفادار بمانیم.

در قسمت روحانی تقاضا میگردد ۱۵ دقیقه دعا و مناجات زیارت شود

میتوانید از قبل ادعیه مورد نظر را آماده نمائید و یا اینکه این بخش را کاملاً به انتخاب عزیزان موکول فرمائید. بدیهی است استفاده از اذکار مبارکه علی الخصوص با استفاده از موسیقی (در صورت امکان) بر روحانیت این بخش خواهد افزود

در بخش اداری می توانید در صورت صلاحدید از فیلمهای موجود در مورد حیات هیکل مبارک و اقدامات ایشان بهره مند گردید.

جانتان خوش باد

حضرت عبدالبهاء پس از تولد حضرت ولی امرالله در مناجاتی چنین می فرمایند:  
یا الهی این غصنی است که از شجره رحمت تو روئیده... اسم شوقی به او عطا کن تا شوق ملکوتت یابد و به عوالم  
لایری پرواز نماید.

حضرت شوقی افندی در آکسفورد ص ۲۱

## عنوان: یگانه ولی امر آئین بهائی

### قسمت روحانی

۱- دعا و نیایش (۱۵ دقیقه و به انتخاب جمع)

۲- بخشهایی از الواح مبارکه وصایا (وصیتنامه حضرت عبدالبهاء)

### قسمت اداری

۳- منشأ اقداماتش نیرویی روحانی بود

۴- سی و شش سال ولایت

۵- وقتی ولی امر شدم نمی دانستم چه اقداماتی باید انجام شود. خداوند مرا هدایت کرد.

۶- خضوع و خشوع هیکل مبارک

۷- بحران و پیروزی

۸- شور و شوق مبارک

۹- شیوه برنامه ریزی حضرت ولی امرالله

۱۰- شیوه تصمیم گیری

۱۱- شور و مشورت (چگونه می توانیم از ویژگیهای حیات هیکل مبارک در زندگی خویش بهره گیریم)

۱۲- برنامه اطفال و نوجوانان

### قسمت اجتماعی

۱۳- الفت و پذیرائی

۱۴- مناجات خاتمه

۱۴- مناجات خاتمه

## هُوَ الْحَافِظُ الْقَدِيرُ

ای حیّ توانا و مولای بیهمتا تو دادرس ضعفائی و یگانه ملجاء اولیاء. پناه خسته دلانی و دستگیر هر درمانده بینوا. قطرات دم شهیدانت را منتقم جباری و اسیران دام جفا را ناجی و منقذی قهار. از مکمن اعلی نظری باهل وفا و سرمستان جام بلا نما و از پس پرده غیب، قوت دیرینه آشکار کن. صفوف اشقیا را درهم شکن و جمیع اودا را تألیف و رونقی ده ... سراج آزادی وجدان را در قلب آن سامان بر افروز و ظلام دیجور اوهام را محو و زائل کن ، تا انجمن روحانیان در آن بلدان نفس راحتی برآرند و حیاتی تازه جویند . دوره ای جدید از سر گیرند و بساط تبلیغ به آزادی و شادمانی بگسترانند . قدم بمیدان عمل گذارند و قیامی عاشقانه نمایند. علم همت برافرازند و ولوله در اقالیم شرق اندازند . زمام را بدست گیرند و هیأت اجتماعی را احیاء فرمایند... توئی مجیر توئی دستگیر توئی مقتدر و توئی توانا. بنده آستانش " شوقی "

## ۲- بخشهایی از الواح مبارکه وصایا (وصیتنامه حضرت عبدالبهاء)

ای یاران مهربان بعد از مفقودی این مظلوم باید اغصان و افنان سدره مبارکه و ایادی امر الله و احبّای جمال ابهی توجّه بفرع دو سدره که از دو شجره مقدّسه مبارکه انبات شده و از اقتران دو فرع دوحه رحمانیه بوجود آمده یعنی شوقی افندی نمایند زیرا آیت الله و غصن ممتاز و ولیّ امر الله و مرجع جمیع اغصان و افنان و ایادی امر الله و احبّاء الله است و مبین آیات الله ...

... مواظبت نمائید که غبار کدر و حزنی بر خاطر نورانیش ننشیند و روز بروز فرح و سرور و روحانیتش زیاده گردد تا شجره بارور شود

زیرا اوست ولیّ امر الله بعد از عبدالبهاء و جمیع افنان و ایادی و احبّای الهی باید اطاعت او نمایند و توجّه باو کنند مَنْ عَصَى أَمْرِهِ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ أَعْرَضَ عَنِ اللَّهَ وَ مَنْ أَنْكَرَهُ فَقَدْ أَنْكَرَ الْحَقَّ. این کلمات را مبادا کسی تأویل نماید و مانند بعد از صعود، هر ناقص ناکثی بهانه‌ئی کند و علم مخالفت برافرازد و خودرایی کند و باب اجتهاد باز نماید نفسی را حقّ رأیی و اعتقاد مخصوصی نه، باید کل اقتباس از مرکز امر و بیت عدل نمایند و ما عداهما کُلّ مخالفٍ فی ضلالٍ مُبین

### ۳- منشأ اقداماتش نیرویی روحانی بود

حضرت شوقی افندی اگرچه کتاب‌های مؤرخین و علمای اقتصاد و متفکرین سیاسی را بسیار مطالعه می‌فرمود اما این مطالعه و نظر تنها می‌توانست موادّ خامی را به دست دهد که بینش ملهم حضرتش متعاقباً می‌بایست تحت نظم درآورد. برای مجهّز ساختن جامعه متنوّع و رنگارنگ بهائی شجاعت و اطمینان فراوانی لازم بود تا بتوان افراد آن جامعه را بر اجراء وظائف و اعمالی برانگیخت که با هر میزان که بسنجیم از حدّ استعداد و قدرتشان بسیار بالاتر بود و فقط سرچشمه روحانی مخصوص ولیّ امرالله بود که این شجاعت و اطمینان را در قلب منیرش جاری می‌ساخت. هیچ ناظر بیطرفی که قرن بیستم را بررسی می‌نماید هر قدر هم که نسبت به دین شگاک باشد چاره‌ای ندارد جز آنکه اذعان کند که این جوان بیست و چند ساله مسؤولیت خطیری را که بر دوش داشت و فتوحاتی را که به دست آورد با اصالت و کمالی به انجام رسانید که منشأش جز نیروی روحانی که ذاتاً در امر بهائی نهفته است چیز دیگری نمی‌تواند باشد.

قرن انوار ص ۷۱

### ۴- سی و شش سال ولایت

... در سال ۱۹۲۱ که حضرت ولی امرالله قیادت امر را به عهده گرفتند، هنوز کارهای زیادی در پیش رو قرار داشت. هنوز این دیانت در مرحله طفولیت بود، تعداد پیروانش قلیل و مؤسساتش نیاز به توسعه و تحوّل گسترده داشت... حضرت ولی امرالله نوه حضرت عبدالبهاء در زمان صعود پدر بزرگ خویش در سال ۱۹۲۱ دانشجوی آکسفورد بودند و فقط ۲۴ سال سن داشتند. با وجود رشد در خانواده فارسی زبان، ایشان به عنوان مترجم بر جسته و نویسنده آثار انگلیسی که حائز شخصیت و خصائل ممتاز بین عموم شناخته شده بودند اما چالشهایی که در آن زمان مقابل رویشان قرار داشت عبارت بود از، لزوم استحکام معنوی و اداری ارکان دیانت، ترجمه تعداد بیشتری از آثار کلیدی امر به زبان انگلیسی و برنامه ریزی برای گسترش عالم گیر و مؤثرتر جامعه ای که هنوز کوچک بود ولی به ارزشهای جهانی بهای بسیار می داد. ایشان کلیه این امور را به نحو احسن انجام دادند... در طی ۳۶ سال ولایت امر ایشان شاهد گسترش امر بهائی از ۳۵ کشور به ۲۱۹ و تأسیس چند محفل روحانی ملی قوی بوده و شالوده جامعه بین المللی را به طور مؤثری بنا نهادند... حضرت ولی امرالله در نخستین سالهای ولایت قوای خود را بر تأسیس

شالوده ای که رشد و ثبات جامعه بین المللی بهائی بر آن قرار گیرد، متمرکز نمودند. ایشان آثار و کتب عمده را ترجمه، جواهر این آثار را تشریح و جامعه بهائی را برای تأسیس محافل روحانی محلی و ملی تحریض نمودند. حضرت ولی امرالله همچنین ارتباط منظمی را با افراد و جوامع سراسر دنیا آغاز و روابط نزدیکی با بهائیان آمریکای شمالی برقرار کردند ایشان در مکاتبات خود آن دسته از جوامع ملی را که استعداد کافی بدست آورده بودند، به طرح نقشه های ملی تشویق نموده وغالبا اهداف و شیوه های عملی را نیز بدیشان پیشنهاد می نمودند.

برنامه ریزی توسعه ص ۱۷

۵- وقتی ولی امر شدم نمی دانستم چه اقداماتی باید انجام شود. خداوند مرا هدایت کرد.

به خاطر دارم یک شب صحبت می کردیم و من گفتم: «حضرت شوقی افندی، شما واقفید که نظم اداری در امریکا به چه نحو رشد و تحول یافت و من می دانم به چه شیوه بی مثیلی شما این کار را انجام دادید. این کار یک نابغه است، یعنی شیوه ای که شما به کار بردید و امر الهی را سامان بخشیدید و آن را به صورت امروزی آن در آوردید».

هیکل مبارک فرمودند: «لروی، شما طوری صحبت می کنید که انگار تصور می کنید من اینجا در ارض اقدس نشسته ام و نقشه نظم جهانی بهائی را داشته ام و شروع به ساخت آن کردم. به محض این که متوجه شدم احباء به اندازه کافی قوی هستند که این کار را انجام دهند به آنها گفتم که این دیوار را بسازند، اندکی بعدگفتم آن دیوار را بسازند و سپس این یکی دیوار را و بعد کف بنا را آماده کنند. اگر چنین نظریه ای در ذهن دارید آن را از خود برانید. وقتی ولی امر شدم نمی دانستم چه اقداماتی باید انجام شود. خداوند مرا هدایت کرد.

و وقتی او هدیای خود را به من رساند، آنچه را که به آن مهتدی شده بودم انجام دادم. آن وقت نمی دانستم که قدم بعدی چه خواهد بود تا آنکه هدایتی دریافت می شد و وقتی هدایت می رسید آن کار را انجام می دادیم. بعد دیگر نمی دانستم اقدام بعدی چه خواهد بود. ممکن است فکر کرده باشم که کار بعدی چیست، اما تا زمانی که هدایت واصل نمی شد نمی دانستم».

از خاطرات جناب آیواس

## ۶- خضوع و خشوع هیکل مبارک

یکی دیگر از صفاتی که در حضرت شوقی افندی مشاهده می‌کردید و مرا بسیار متحیر می‌ساخت خضوع و خشوع ایشان بود. در آثار مبارکه در مورد تواضع و خشوع بسیار مطالعه کرده‌ام. بسیاری از تعالیم دینی درباره فروتنی را خوانده‌ام، و تصور می‌کنم اندکی می‌دانم که این به چه معنی است اما شما درباره خضوع و خشوع هیچ نمی‌دانستید تا زمانی که حضرت ولی امرالله را می‌دیدید. هیکل مبارک هرگز درباره خودشان صحبت نمی‌کردند، و یکی از مواردی که خیلی جلب توجهم را می‌کرد زمانی بود که ایشان درباره امر مبارک و توسعه آن صحبت می‌کردند.

ایشان درباره شرایط ایام حیات عنصری حضرت اعلی، درباره شرایط و فعالیت‌های امری در دوران حضرت بهاءالله و اوضاع و احوال و اقدامات امری در ایام قیادت حضرت عبدالبهاء صحبت می‌کردند. هیکل مبارک هرگز نمی‌فرمودند در ایام ولایت امرالله یا در دوران ولایت من، بلکه همیشه به عنوان ایام بعد از حضرت عبدالبهاء به آن اشاره داشتند.

یک بار مشغول صحبت بودیم و در مورد فعالیت‌های امری مطلبی را خدمت حضرت ولی امرالله عرض کردم - به خاطر ندارم چه موضوعی بود - اسم ایشان را در یک جمله و تقریباً با اسم مبارک حضرت عبدالبهاء و تقریباً با همان حالت ذکر کردم. ایشان سخن مرا قطع کرده فرمودند: «هرگز چنین نکنید. ابداً اسم مرا با ذکر حضرت مولی الوری همزمان بر زبان نیاورید. حضرت عبدالبهاء بحر بیکران است و من قطره آب. حضرت مولی الوری شمس تابان بودند و من ذره ناتوان. لذا، هرگز، ابداً اسم مرا در یک موضوع و یک روال فکری با اسم مبارک ایشان نیاورید. فاصله‌ای عظیم بین حضرت عبدالبهاء و بقیه خلائق و بین ایشان و ولی امرالله وجود دارد.»

از خاطرات جناب آیواس

## ۷- بحران و پیروزی

حضرت شوقی افندی در طول دوره قیادت‌شان جامعه بهائی را در مواجهه با چالش‌های بی‌شماری هدایت کردند: بهائیان آلمان تحت حکومت نازی مورد آزار و اذیت قرار گرفتند؛ تعدادی از بهائیان در ترکیه بازداشت و بازجویی شدند؛ جامعه بسیار توسعه‌یافته عشق‌آباد در اثر آزار و اذیت مداوم مقامات شوروی در دهه‌های ۱۳۰۰ و ۱۳۱۰ ه.ش. (۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ میلادی) پراکنده شد، در ایران مخالفت‌های بیشتری با آئین بهائی آغاز شد؛ خانه حضرت

بهاء‌الله در بغداد مصادره گردید و بازگرفتن آن ممکن نبود. حضرت شوقی افندی با آرامش و بصیرتی مخصوص به خود، در هر بحرانی که پیش‌روی بهائیان قرار می‌گرفت، پیروزی بالقوه را مشاهده می‌کردند. به عنوان نمونه، چند دادگاه در مصر احکامی صادر کردند که اگر چه در ظاهر نامطلوب به نظر می‌رسید، اما توسط حضرت شوقی افندی به عنوان پذیرش ماهیت مستقل دیانت بهائی مورد استقبال قرار گرفت. ایشان در همان حین که جامعه را جهت اقدام در دادگاه‌های ملی و در عرصه بین‌المللی برای دفاع از حقوق اساسی انسانی خود یاری می‌کردند، به بهائیان می‌آموختند تا مشکلات و سختی‌ها را به عنوان فرصت‌هایی برای به پیش بردن دیانت بهائی در نظر گیرند

#### ۸- شور و شوق مبارک

جناب جیاگیری در خاطرات خود می‌نویسند:

"یکی دیگر از خصوصیات حضرت شوقی ربانی شوق وی در انجام امور بود. در همان نخستین دیدار حضرتش از وجود این شعله سوزان در روح و روانش آگاه گشتم زیرا این شعله سوزنده در تأکیدی که در بیاناتش وجود داشت، در نگاه نافذ وجویای چشمان خردمند و بافراستش، در سرعت عمل و در تبسمهای قدردانی از نفوسی که امور محوله را به سرعت انجام داده بودند نمودار بود. جمله "وقت تنگ است" به کرات هم در صحبت‌های شفاهی از فم مبارک شنیده می‌شد و هم در پیامهای جاودانیش خوانده می‌شد و پرده از حقیقت بر می‌داشت که نیاز عالم بشری فوریت داشت و نیز هیکل مبارک علاقمند بودند که نقشه الهی در کره ارض، در طول عمر یک انسان تحقق یابد. به یک احواء بدون استثناء "وقت تنگ است" را متذکر می‌شدند و همه را ترغیب می‌فرمودند تا همانند هیکل مبارک در انجام امور شوق و اشتیاق نشان دهند."

هر چند حضرت ولی امرالله در رشته مدیریت و برنامه ریزی تحصیل نکردند، ولی به احتمال زیاد در معرض آراء و افکار اندیشمندان این فن قرار داشتند... ذوق فکری ایشان به گفته روحیه خانم تمایل به متفکران بزرگی همچون گیون بود که کتابش ظهور و سقوط امپراطوری رم همواره کنار تخت و همراه سفرشان بود.

... اما مؤثرترین منبع اطلاعات ایشان آثار دینی علی الخصوص طلعات مقدسه امر بهائی بود این آثار نه تنها حاوی هدایات بسیار مناسبی در زمینه رهبری جامعه، بلکه گویای چشم انداز متعالی و عظیمی بود و به تمدن جهانی حضرت بهاء الله بشارت می داد.

شیوه برنامه ریزی ایشان را می توان از خلال نامه ها و روایات نقل شده از یاران ایشان و نه مستقیم از خودشان دریافت... روحیه خانم نظارت حضرت ولی امرالله را بر ساخت مراقد مطهره و باغها به عنوان نمونه ای از شیوه برنامه ریزی ایشان یاد نمودند... ایشان فرمودند: حضرت ولی امرالله کارهای مهمی همچون ساختن نظم اداری بهائی یا اداره نقشه را شبیه یک نقاش بزرگ رنسانس... ایجاد می کردند ابتدا طرحهای اولیه، فکر کلی، اندازه ها، رنگ، نسبتها، آنگاه تقسیم به جداول مربعی و سپس آن را به سطح اصلی منتقل می کردند نهایتاً الگوها، تصاویر، و سایه ها شکل را پر می کرد. این شیوه حضرت ولی امرالله بود و ایشان قبل از آماده کردن سطح نقاشی به هیچکس اجازه نقاشی تصاویر و جزئیات را نمیدادند.

برنامه ریزی توسعه ص ۳۶

حضرت ولی امرالله به تصریح امة البهاء روحیه خانم " در اقدام به هر کاری ابداً تردید نمی فرمودند. مقصود این است که وقتی تصمیم به کاری می گرفتند با نهایت قوت در پی آن می رفتند، ممکن بود فکری روزها و حتی سالها در خاطر مبارک خَلجان نماید ولی چون به مرحله تصمیم می رسیدند حتی ثانیه ای برای اجرای آن، صبر نمی فرمودند."

یکی از زائرین در این خصوص می گوید: "در تمام عالم وجود قوه ای نیست که بتواند ایشان را به اندازه سر موئی از صراط مستقیم حضرت رحمن، منحرف سازد. رفاقت و آشنائی و خویشاوندی ابداً در تصمیم ایشان تأثیر ندارد. ثروتهای فانیه و جلال و جبروت امور مادیّه هرگز بدان ساحت مقدس راه ندارد و چون هنگام اجرای تصمیمی می رسد، ابداً ملاحظه آن ندارند که طرف مسرور می گردد و یا رنجور، زیرا وجود مقدس بالکل ماورای حدودات بشریه اند."

گوهریکتا ص ۱۲۶